

دفاع مشروع برای رژیم اشغالگر مبنای حقوقی ندارد

فلسطین یکی از نمادهای برجسته لوث‌شدن قواعد حقوق بین‌المللی در ۷ دهه گذشته است



«از سال ۲۰۰۸ تا ششم اکتبر ۲۰۲۳، هزار و ۲۳۴ کودک فلسطینی کشته و ۲۲ هزار و ۱۷۵ کودک دیگر به دست نیروهای اشغالگر اسرائیل مجروح شده‌اند. از این تعداد و از زمان آغاز محاصره غیرقانونی در سال ۲۰۰۷، تنها هزار و ۲۵ کودک در غزه کشته شده‌اند. در همین بازه زمانی، ۲۵ کودک اسرائیلی از سوی مهاجمان فلسطینی کشته و ۵۲۴ کودک نیز مجروح شده‌اند. بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲، ۷۰۹ هزار و ۶۷۹ کودک فلسطینی و ۱۵ کودک اسرائیلی آسیب‌های جسمی پایداری را متحمل و بسیاری از آنها برای همیشه معلول شده‌اند. سالانه به طور متوسط ۵۰۰ تا ۷۰۰ کودک فلسطینی از سوی نیروهای اشغالگر اسرائیل بازداشت می‌شوند که از سال ۲۰۰۰ تاکنون حدود ۱۳ هزار نفر به صورت خودسرانه در دادگاه‌های نظامی بازداشت، بازجویی، محاکمه یا زندانی شده‌اند.»

این آمار اخیر گزارشگر ویژه و وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطین اشغالی است. به رغم وجود موازین حقوقی بین‌المللی ناظر به تعیین تکلیف موضوعات گوناگون و لزوم رعایت آنها در جهت تأمین عدالت و حقوق بشر، ساختارهای ناعادلانه جهانی موجب شده است بسیاری از قواعد در عمل به درستی رعایت نشوند یا برخلاف آنها اقدام یا گاه لگدمال شوند. نمود بارز و دهشتناک ناشی از این وضعیت در وهله اول اصل ایجاد نامشروع رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ است که چند میلیون فلسطینی از سرزمین مادری با حمایت ویژه انگلیسی و آمریکا کوچانده شدند و در وهله دوم، چند دهه است هر ساله در مصوبات متعدد سازمان ملل با اکثریت آرای کشورهای جهان تأکید می‌شود که سرزمین‌های فلسطینی مورد تصرف اسرائیل بعد از ۱۹۶۷ میلادی مصداق بارز اشغالگری غیرقانونی و برخلاف حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است و باید سریعاً به صاحبانش بازگردانده شود.

گزارشگر ویژه و هیئت‌های بین‌المللی دیگری برای ثبت انواع نقض حقوق بشر در این سرزمین‌ها از سوی سازمان ملل مأمور به فعالیت شده‌اند و هر ساله گزارش نظارت‌های خود را ارائه می‌کنند که آمار ابتدایی همین مطلب از جمله گزارش‌هاست.

به رغم همه این مصوبات و محکومیت‌های تصرفات غیرقانونی مزبور، وقتی مردم مناطق تحت اشغال برای رفع سيطرة اشغالگر ظالم از همان زمین‌ها اقدام می‌کنند، از سوی دولت‌های حامی اسرائیل سرزنش می‌شوند و برای تنبیه آنها اشغالگر می‌تواند به هر میزان که خواست بر سر مردم فلسطین آن هم در محدوده کوچکی از خاکشان که در اختیار دارند، بمب بریزد و چند نفر از جمله زنان و کودکان را به قتل برساند و هزاران نفر را مجروح و مصدوم کند، بی آنکه کوچک‌ترین نگرانی از سازو کارهای حقوقی یا دیوان کیفری بین‌المللی داشته باشد. چه آنکه با هدف باز بودن دست اشغالگر در ارتکاب هر جنایتی، حامیانش نام اقدامات غیرانسانی اشغالگران را مبارزه با تروریسم می‌گذارند که مخاطبان ناآشنا با بحث‌های حقوقی این برداشت را بکنند که لاید کار جنایتکار توجیه دارد و لاید نباید فلسطینی‌ها برای این پس گرفتن سرزمین‌های تحت اشغال حرکتی انجام می‌دادند و اقدام آنها خلاف بوده و باید نسل به نسل تسلیم اشغالگر باشند تا یک چنین کشتار وسیعی را متحمل نشوند؛ عملکردی که مصداق بارز بی‌عدالتی و فاصله واقعیات با قواعد حقوقی عادلانه است.

پرواضح است سازو کارهای حقوقی و دیپلماتیسی و مذاکرات سیاسی مسالمت‌آمیز نمی‌توانند قدم مؤثری برای جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی و کشتار بی‌گناهان و حتی شکل‌گیری دولت مستقل فلسطین در سرزمین‌های مادری تحت اشغال اسرائیل بعد از سال ۱۹۶۷ برارند و سال‌هاست طرف اشغالگر فقط با زبان زور و سلاح جواب هر اعتراض مردم قریبانی را می‌دهد.

با این همه موازین حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر تکلیف محدودیت‌های هر طرف نزاع را در هر نقطه جهان مشخص کرده‌اند. حمله نکردن به غیرنظامیان، مورد آزار و اذیت قرار ندادن اسرا، بهره‌بردن از سلاح‌های ممنوعه، حمله به وسایل امدادی و بیمارستانی، حمله به روزنامه‌نگاران و کشتن آنها، هدف قرار دادن دسته‌جمعی مردم یک منطقه و اجبار به کوچاندن از خانه و کاشانه از جمله موارد است.

با این مقدمه ارزیابی عملکردهای دو طرف معادله اشغالگر و تحت اشغال در فلسطین از منظر قواعد یادشده به عهده افکار عمومی است اما بی‌شک فلسطین یکی از نمادهای برجسته لوث‌شدن قواعد حقوقی بین‌المللی طی بیش از هفت دهه گذشته است.

فلسطین در حال مقاومت در برابر اشغال است

تعهدات قدرت اشغالگر نسبت به سرزمین تحت اشغال بیان می‌شود. وی در تعریف مفهوم اشغال گفت: به صورت خلاصه وقتی یک طرف مخاصمه و درگیری بخشی از سرزمین طرف مقابل را تحت کنترل مستقیم خود درمی‌آورد، اشغال

تعریف می‌شود اما کنترل موقت اشغال نیست چرا که در کنترل موقت پیشروی و برگشت دارد اما در صورت استقرار و در اختیار گرفتن اوضاع، اشغال محسوب می‌شود. وی در ادامه به مقررات اشغال اشاره و اظهار کرد: اشغالگر وظایفی را عهده به اموال، سرزمین و جمعیت اشغالی بر عهده دارد. تعهدات به طور کلی این است که مایحتاج و نیازهای مردم اشغالی از جمله بهداشتی و غذایی را تأمین و حتی سایر خدمات مثل آموزش و نظم و انضباط را برقرار و به صورت کلی از جان و اموال مردم محافظت کند، مگر اینکه به صورت استثنائاً اقتضای عملیات نظامی از بین بردن اموال باشد.

وی حقوقی را هم در این راستا برای اشغال برشمرده و گفت:



اشغالگر وظایفی را عهده به اموال، سرزمین و جمعیت اشغالی بر عهده دارد. تعهدات به طور کلی این است که مایحتاج و نیازهای مردم اشغالی را تأمین و حتی سایر خدمات مثل آموزش و نظم و انضباط را برقرار و به صورت کلی از جان و اموال مردم محافظت کند، مگر اینکه به صورت استثنائاً اقتضای عملیات نظامی

اموال مردم محافظت کند، مگر اینکه به صورت استثنائاً اقتضای عملیات نظامی از بین بردن اموال باشد



یادداشت

عملکرد کانون‌های وکلادر راستای شفافیت

جهل حقوقی مراجعان قضایی رفع می‌شود؟!



علی حسن زاده*

کانون وکلای دادگستری با سابقه حدود یک قرن، قدیمی‌ترین سازمان مردم‌نهاد ایران است. این کانون یک نهاد مدنی مستقل است که تأکید ویژه‌ای بر استقلال از حاکمیت دارد. مبنای استقلال این است که وکیل نباید تحت نفوذ قوه حاکمه باشد، زیرا در مناقشات بین دولت و ملت و موارد انحراف دولت از مسیر منافع عمومی وکیل باید بتواند حقوق ملت را استیفا کند. این نهاد در سال ۱۳۳۳ با تصویب لایحه قانونی «استقلال کانون وکلای دادگستری» از سوی مجلس شورای ملی وقت رسماً از قوه حاکمه استقلال یافت و از همان زمان لفظ مستقل بر این نهاد مدنی اطلاق شد. به زعم عده‌ای از کارشناسان این استقلال کانون وکلای دادگستری برای نوعی عملکرد دوگانه این نهاد مدنی است، به نحوی که کانون در مواقعی که صلاح بداند نهاد مدنی مستقل، خود را از اجرای برخی قوانین کشور مستثنی می‌کند. به عنوان مثال کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ تمام مراجع صدور مجوزها باید به درگاه ملی مجوزهای کشور ببینوند و بنا بر آمار رسمی تقریباً تمام مراجع به این درگاه پیوسته‌اند، اما کانون‌های وکلای با تأکید بر استقلال و نیز استمساک به بند الف ماده ۶ قانونی که به استقلال کانون وکلای دادگستری که به موجب آن اعطای پروانه و کالت از وظایف کانون وکلالت، تاکنون از پیوستن به درگاه ملی صدور مجوزها خودداری کرده است. با توجه به شأن و جایگاه کانون‌های وکلای کشور، شایسته است این سازمان مردم‌نهاد نیز همگام با سایر سازمان‌ها و کسب و کارها به درگاه ملی مجوزها ببینوند.

از دیگر موارد مورد مناقشه کانون وکلای دادگستری است که به موجب آن برخی افراد بدون شرکت در آزمون، پروانه و کالت دریافت می‌کنند. طبق این ماده قضات دادگستری با مقاومت از نظر حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر است. رسیدن و در فواصل زمانی چنین عملیاتی انجام شده که برخی مواقع به جنگ‌هایی مثل جنگ ۲۲ روزه و عملیات سرب گداخته ختم شده است.

وی با ورود به وضعیت فعلی و عملیات اخیر «طوفان الاقصی» بیان کرد: وضعیت موجود نشان می‌دهد عملیات حاسب، عملیات اول نیست و از زمان به قدرت رسیدن و در فواصل زمانی چنین عملیاتی انجام شده که برخی مواقع به جنگ‌هایی مثل جنگ ۲۲ روزه و عملیات سرب گداخته ختم شده است.

حقوق دفاع مشروع در غزه و کرانه باختری

وی در پاسخ به این سؤال که آیا حاسب به عنوان نیروی مقاومت از نظر حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر است یا اشغال را دارد یا خیر گفت: کرانه باختری تحت اشغال است و غزه نیز همچنان تحت اشغال قرار دارد، در نتیجه درگیری با نیروهای اسرائیل با اقدام علیه اسرائیل یک حق است، البته که شاید بهتر باشد بگوییم این دفاع مشروع نیست و صرفاً مقاومت در برابر اشغال است. وی در مورد حق دفاع مشروع که از سوی اسرائیل مطرح می‌شود نیز گفت: اسرائیل نمی‌تواند دفاع مشروع داشته باشد چرا که دفاع مشروع در برابر حمله یک کشور است نه سرزمینی که تحت اشغال است، بنابراین هر حمله‌ای به آن سرزمین به معنی دفاع مشروع نیست و صرفاً حق سرکوب دارد. وی با تأکید بر اینکه اسرائیل باید محاصره را خاتمه دهد، بیان کرد: اسرائیل باید محدودیت‌ها را بردارد، محاصره را خاتمه دهد، فضای منطقه هوایی و گذرگاه‌ها را آزاد کند و حصار را از فضای سرزمینی بردارد. وی به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری قبل از سال ۲۰۰۵ اشاره کرد و گفت: دیوان بحث دفاع مشروع را رد می‌کند چرا که دفاع مشروع، دفاع در برابر حمله مقابل نیروی خارجی است، بنابراین پذیرش دفاع مشروع دارای شرایطی است که آن شرایط به ضرورت بوده و راه دیگری برای حمله نباید وجود داشته باشد، کمابینه عملیات باید متناسب با حمله باشد، اگر حمله در مقیاس ۵ صورت گیرد، نمی‌توان با مقیاس ۱۲۰ دفاع کرد یا نمی‌توان تخریب را در مقیاس بالاتر انجام داد. این استاد حقوق بین‌الملل خاطر نشان کرد: همه دنیا قبول دارند بنده فرضی دفاع مشروع این حق باید متناسب اعمال شود و وضعیت فعلی بیش از حد غیرمتناسب است و اسرائیل باید در نقاط مشخص مقابله و در برخی موارد شده غیرنظامیان خودداری کند.

امکان استفاده از منابع و امکانات موجود، اعمال قدرت و همچنین سرکوب مقاومت با رعایت موازین حقوق بین‌الملل باید صورت گیرد و در این راستا اجرای فرامین و موارد حقوق بشر باید رعایت شود.

مفهوم اشغال برای فلسطین حبیبی مجنده یادآور شد: تا سال ۲۰۰۵ هیچ شکی وجود نداشت که غزه یک سرزمین اشغالی است. در قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی و در ادبیات کشورها و رویه دولت‌ها و حقوق‌های سرزمین اشغالی محسوب می‌شد، یعنی هیچ شکی نبود که اسرائیل در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ غزه را از دست نیروهای مصری به اشغال خود درآورد. وی ادامه داد: قطعنامه‌های فراوانی وجود داشت که اسرائیل باید این سرزمین را از اشغال رها کند، شکرک‌سازی نکند و جمعیت خود را آنجا نبرد اما از سال ۲۰۰۵ اسرائیل اعلام کرد غزه را به حال خود رها می‌کند و پایادساز یک طرح، نیروهای نظامی خود را از منطقه خارج کرد، شهرکنشین‌ها غزه را تخلیه کردند و کسانی که در این شهرک‌ها بودند (حدود ۸ هزار پهلودی) بیرون رفتند که حتی اسرائیل به آنها فرامتن پرداخت کرد.

این استاد حقوق بین‌الملل گفت: بعد از این بحثی به وجود آمد که با تخلیه کردن نیروها و پایگاه‌های نظامی آیا غزه سرزمین اشغالی است یا خیر.

وی در توضیح ادله موجود برای اشغالی بودن سرزمین فلسطین گفت: برخی معتقدند غزه همچنان سرزمین اشغالی است و علت آن را مبتنی بر این می‌دانند که محدودیت‌های اسرائیل بر غزه به معنی اشغال است. محاصره موجود و در اختیار داشتن فضای هوایی، ماهیت گشتی‌ها و نیز کنترل گذرگاه‌ها برای رفت و آمد، در اختیار داشتن نظام مالیاتی موجود در غزه و حتی ثبت ولادت جز اشغال معنای دیگری ندارد.

حبیبی مجنده ادامه داد: حقوق‌دانان معتقدند اسرائیل بسیاری از اختیارات را برای خود حفظ کرده و تنها بخشی از اختیارات را انتقال داده که این یعنی اسرائیل بخشی از اختیار خود را صرفاً به نیروهای محلی داده است، بنابراین چنین عملکردی برای حذف مفهوم اشغال کافی نخواهد بود و کنترل‌های موجود به معنی اشغال است، چه بسا که کرانه باختری وضعیت بدتری دارد و شهرکنشین‌ها هم مستقر هستند.

میزان درآمد و مالیات همچنان از موارد عدم شفافیت کانون وکلالت، با الکترونیکی شدن فرایند ابطال تمبر مالیاتی گام بلندی در راستای شفافیت درآمدی و مبارزه با فرار مالیاتی برداشته شد، اما با وجود این هنوز مسئله عدم ثبت دقیق حق‌الوکاله در قراردادهای پابرجاست و برخی وکلای ثبت ارقام غیرواقعی و صوری از پرداخت مالیات واقعی شانه خالی می‌کنند.

اگرچه هدف این نوشتار بیان نقاط ضعف کانون‌های وکلای با هدف رفع آنها و اعتلای جایگاه کانون وکلالت، اما نباید از اقدامات شایسته کانون چشم‌پوشی کرد. انتشار صورت‌جلسه و مشروع مذاکرات هیئت مدیره کانون وکلای مرکز از جمله اقدامات قابل تقدیر این کانون در راستای افزایش شفافیت است. امید است سایر کانون‌های وکلانیز از این اقدام قابل تقدیر کانون وکلای مرکز تأثیر بگیرند و اقدام به انتشار عمومی صورت‌جلسات و مشروع مذاکرات هیئتمدیره خود کنند. دیگر اقدام ارزشمند کانون وکلای مرکز پیوستن به «سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» است که در شهریور ماه سال جاری صورت پذیرفت. در حال حاضر علاوه بر کانون وکلای مرکز، ۱۰ کانون وکلای دادگستری دیگر شامل کانون وکلای آذربایجان شرقی، اردبیل، البرز، ایلام، اصفهان، بوشهر، خوزستان، فارس، همدان و نیز بز به این سامانه پیوسته‌اند. این اقدام قابل تقدیر در حالی انجام شده است که از مجموع ۲۷ کانون وکلای کشور تاکنون فقط ۱۱ کانون به این سامانه پیوسته‌اند.

جهل مراجعان محاکم قضایی نسبت به اصطلاحات حقوقی و موارد مندرج در قرارداد از جمله مواردی است که باعث بروز اشکالاتی برای موکلان شده است. به عنوان مثال بند «کالت در صلح و سازش» که در قراردادها وجود دارد، از جمله این موارد است. در مواردی دیده شده که موکل از طریق پیامک متوجه شده پرونده شکایت مختمه شده است، پس از پیگیری و مراجعه به دادگاه، موکل متوجه شده است وکیل بدون اجازه از موکل و به صورت یک طرفه با استفاده از بند و کالت در صلح و سازش با متشکای صلح کرده و پرونده مختمه اعلام شده است و چون این بند در قرارداد ذکر شده بوده، موکل دستاویزی برای ادامه روند دادرسی نداشته است. این مسئله در برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار گرفته است. در بند ماده ۱۱۳ لایحه برنامه هفتم توسعه برای موضوع اقدامات حقوقی در خصوص سامانه «شفافیت عملکرد وکلای کارشناس رسمی» این گونه آمده است: «سامانه «شفافیت عملکرد وکلای کارشناس رسمی» اعم از وکلای کانون وکلای دادگستری، وکلای کارشناسان مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه و کارشناسان کانون کارشناسان رسمی دادگستری را ضمن پیش‌بینی فرایندی جهت اخذ نظرات موکلان و ذی‌نفعان در پایان هر پرونده، تا پایان سال اول برنامه، راه‌اندازی و اطلاعات عملکردی از قبیل تعداد پرونده‌ها و موضوعات آنها بدون درج محتوای محرمانه یک کانون دیگر باید مبلغی را تحت عنوان «هبه» پرداخت کنند. اگر چه پس از مبلغ نامه باشد گزارش حضور در جلسات دادگاه، سابقه تخلف نظامی و حقوق دولتی (نظیر پرداخت مالیات و عوارض) با امکان شکایت از وکیل یا کارشناسی یا گزارش تخلفات وی در دسترس مردم قرار دهد. در صورتی که تعداد تخلفات یا گزارش‌های ذکر شده از پنج مورد بیشتر شود، دادستان کانون یا مرکز مربوط به عنوان مدعی العموم موظف است رأساً نسبت به اقامه دعوی اقدام و موضوع را تا صدور رأی قطعی پیگیری کند.»

مطابق این بند، سامانه‌ای به صورت برخط ایجاد خواهد شد که در آن موکلان هر وکیل نظرات خود را در درباره وکیل مربوط ثبت خواهند کرد. در این صورت هم سابقه عملکرد وکیل شفاف می‌شود، هم در صورت تخلف احتمالی وکیل، موکلان جدید با استعلام از این سامانه متوجه این موضوع خواهند شد و به فرد دیگری به عنوان وکیل مراجعه خواهند کرد. با راه‌اندازی این سامانه تسآحد زیادی مشکلات ناشی از جهل به قوانین و اصطلاحات حقوقی رفع خواهد شد.

پژوهشگر اندیشکده شفافیت برای ایران